

Parameters and analogy of verses linked to women in the form of mystical interpretation (A Case Study of Kashfol-asrar and Oddatol-abrar, Araies -al-bayan, Fotohate Makkieh, and Makhzanal-Erfan)

(Received: 2024-03-12 Acceptance: 2024-06-11)

Sajedeh Ghorbani Manzari¹, Seyedeh Fatemeh Zareh Hosseini²

Abstract

In various places of the Holy Qur'an, there are many points and references about women and various issues and issues related to them, which have been the focus and attention of Muslim commentators, including mystics, and their remaining views have been reflected in the commentaries. In this essay, by choosing four mystical interpretations of the Holy Qur'an that have emerged in different historical, geographical and intellectual contexts, we will discuss the views and interpretation opinions of Rashid al-Din Meibodi, Rozbahan Baghli, Ibn Arabi and Banu Amin regarding the verses related to women and extract, compare and analyze the opinions in question using the descriptive-analytical method. From the analysis and evaluation of the opinions of these four commentators, several results can be mentioned: In Meibodi's interpretation, women are sometimes considered to be the cause of the evolution of man's religion, and sometimes they are presented as a weak, helpless and lazy creature. In Rozbahan Baghli's look, we see less traces of gendered positions or worldly concerns, and it can be said that his look is independent of gender views. Ibn Arabi respects women and considers the path equal for men and women. From Mrs. Amin's point of view, men and women are not superior to each other; He does not propose a general rule and believes that a man's life originates from reasoning and a woman's life from emotions. Also, it can be claimed that in the interpretation of the verses about women, the opinions of Rozbahan Baghli and Ibn Arabi have more of a mystical aspect, and Meibodi and Banu Amin, while expressing their mystical opinions, in some cases also expressed a desire to view and interpret jurisprudence.

Key Words: Ibn Arabi, Banu Amin, Interpretation, Rozbahan Baghli, Women, Meibodi

1. MA student of Religions and Comparative Mysticism, Ferdowsi University of Mashad, Iran (Corresponding Author). s.ghorbani187711@gmail.com

2. (Ph.D.), Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Knowledge zareh-h@um.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

مطالعات
مذاهب و فرق
پایانی: ۴

دوره دوم

شماره دوم

پایانی: ۴

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

بررسی و مقایسه آیات مربوط به زنان در چند تفسیر عرفانی کشف الاسرار و عدة الابرار، عرائس البیان، فتوحات مکیه و مخزن العرفان

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲)

ساجده قربانی منظری^۱

سیده فاطمه زارع حسینی^۲

چکیده

در جای جای قرآن کریم، نکات و اشارات متعددی درباره زنان و موضوعات و مسائل گوناگون مرتبط با آنها آمده که مورد توجه و دقت مفسران مسلمان، از جمله عارفان، بوده و دیدگاه‌های به جامانده از آنان در تفاسیر بازتاب یافته است. در این جستار، با انتخاب چهار تفسیر عرفانی از قرآن کریم که در زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی و فکری متفاوت پدید آمده‌اند، برآنیم تا دیدگاه‌ها و آراء تفسیری رشیدالدین میبیدی، روزبهان بقلی، ابن عربی و بانو امین در خصوص آیات مربوط به زنان را استخراج، مقایسه و بابا روش توصیفی-تحلیلی، آراء مورد نظر را تحلیل و بررسی کنیم. از واکاوی و ارزیابی آراء این چهار مفسر چند نتیجه قابل ذکر است: در تفسیر میبیدی، زن گاه موجب تکامل دین مرد پنداشته شده و گاه موجودی ضعیف و عاجز و ملول الطبع معرفی می‌شود. در نگاه روزبهان بقلی کمتر اثری از مواضع جنسیت زده یا دغدغه‌های دنیوی می‌بینیم و می‌توان گفت که نگاهش فارغ از دیدگاه‌های جنسیتی است. ابن عربی زنان را ارج می‌نهد و طی طریق را برای مردان و زنان برابر می‌داند. از دیدگاه بانو امین، زن و مرد بر یکدیگر برتری ندارند؛ وی قاعده‌ای کلی مطرح نمی‌کند و معتقد است حیات مرد از تعقل و حیات زن از احساسات نشئت می‌گیرد. همچنین شاید بتوان مدعی شد که در تفسیر آیات راجع به زنان، آراء روزبهان بقلی و ابن عربی بیشتر صبغه عرفانی دارند و میبیدی و بانو امین در عین اظهار آراء عرفانی در مواردی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). s.ghorbani187711@gmail.com

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

zareh-h@um.ac.ir



به نگاه و تفسیر فقهی نیز ابزار تمایل کرده‌اند.
واژگان کلیدی: ابن عربی؛ بانو امین؛ تفسیر؛ روزبهان بقلی؛ زنان؛
 میبیدی.

مقدمه

شمار قابل توجهی از آیات قرآن کریم به مسائل زنان، از جمله حقوق، وظایف، احکام، نوع رفتار با دیگران و... پرداخته و از برخی از زنان با عنوان اسوه مثبت یا نمونه منفی یاد کرده است. این آیات در تفاسیر مختلف و متعدد مسلمانان از منظرهای گوناگون مورد مداقه و ارزیابی واقع شده است. این آیات در تفاسیر عرفانی هم مطرح نظر مفسران بوده و با عنایت به مبانی فکری و مشرب عرفانی خود به این قبیل آیات پرداخته‌اند. در جستار حاضر، چهار تفسیر برگزیده‌ایم و در پی آنیم تا دیدگاه‌های چهار مفسر درباره برخی از آیات مربوط به زنان را که از زمینه‌ها و زمانه‌های متفاوتی برخاسته‌اند، بررسی و با یکدیگر مقایسه کنیم. در پژوهش حاضر، به ترتیب تاریخی، به نگاه چهار مفسر متقدم و متأخر می‌پردازیم: (۱) تفسیر «کشف الاسرار و عدة الابرار» به قلم ابوالفضل رشیدالدین میبیدی در نیمه اول قرن ششم (۵۲۰ ق). این اثر ستیغ بر اساس تفسیر خواجه عبدالله انصاری در ده جلد، نوشته شده و مؤلف در سه نوبت، آیات را مورد بررسی قرار داده است: در نوبت اول، آیات را بدون توضیح به فارسی روان ترجمه کرده است؛ در نوبت دوم، عقاید سایر مفسران و محققان صاحب نظر را شرح می‌دهد و در نوبت سوم، نکات عرفانی آیات، به ویژه به نقل از خواجه عبدالله انصاری را بیان می‌کند. این تفسیر، عظیم‌ترین و کهن‌ترین تفسیر عرفانی فارسی است که مجموعه‌ای از لطایف و نکات قرآنی و اشارات نبوی را در بر دارد و در آن اندرزها، داستان‌ها، حکایات و روایات بسیاری آمده است.

(۲) روزبهان بقلی مشهور به «شیخ شطاح»، از عرفای به نام سده ششم (۵۲۲-۵۶۲ ق) در فارس و صاحب اثری مشهور به نام «عرائس البیان» است که مطابق عقاید صوفیان و مبتنی بر تأویل‌های ایشان، نوشته شده است. برخی این تفسیر را در حکم نوعی دایرةالمعارف اقوال عرفانی مشایخ می‌دانند.

(۳) تفسیر دیگری که به آن پرداخته شده است، «تفسیر ابن عربی» (۵۶۰-۶۳۸ ق) است. این تفسیر به زبان عربی و مشتمل بر تأویلات عرفانی است. ابن عربی در دیگر آثار خود نیز به بحث درباره زن پرداخته است؛ برای مثال، «ترجمان الاشواق» را در ستایش زیبایی زنی به نام نظام سروده و به اثبات این نکته پرداخته است که عشق به زن با عشق به مطلق در یک نقطه به هم

مطالعات
 فصلنامه علمی
 پژوهشی

دوره دوم
 شماره دوم
 پیاپی: ۴
 پاییز و زمستان
 ۱۴۰۲

می‌رسند. در اثر مشهور دیگرش به نام «فتوحات مکیه» در فصل آخر، به تفصیل درباره زن، قلم زده است.

۴) تفسیر بانو سیده نصرت بیگم، ملقب به بانو امین که از عالمه‌ها و مجتهده‌های شیعه معاصر است (۱۲۶۵-۱۳۶۲). این تفسیر با نام «مخزن العرفان»، از جمله تفاسیر معاصری است که در مباحث مختلفی همچون اخلاق، تربیت، کلام، فلسفه و عرفان در پانزده جلد، نوشته شده است. تألیف این اثر جدی‌ترین فعالیت تفسیری بانو امین در دهه ششم زندگی اوست که با رویکردی اجتماعی، کلامی، تربیتی و با روش اجتهادی انجام داده است.

نظر به فراوانی و گستردگی آیات مرتبط با زنان، ناگزیر در اینجا، دست به گزینش مهم‌ترین و جنجالی‌ترین آیات زده‌ایم و به آیات چالش‌برانگیزی ناظر بر موضوعاتی مثل خلقت زن و مرد، برتری مردان بر زنان، قوامیت مرد بر زن، زنان باعنوان کشتزار مردان، شهادت زنان در محکمه، مهریه و ارث زنان، نشوز و ضرب زنان و طلاق، توجه کرده و آنها را محور بررسی خود قرار داده‌ایم.

از آنجاکه در دنیای معاصر، مسائل زنان محوریت ویژه‌ای یافته، به‌ویژه، نگاه اسلام و قرآن و مسلمانان به این مسائل حائز اهمیت شده است، بر آن شدیم تا از میراث تفسیر عرفانی مسلمانان بهره بگیریم و جویای نظرات مفسران عارف در این باره شویم. با آنکه پژوهش‌هایی راجع به زن و زنان از منظر قرآن و برخی تفاسیر انجام و منتشر شده، ولی تاکنون آراء چهار مفسر مطرح در این نوشتار یک جا و به صورت مقایسه‌ای بررسی نشده است؛ لذا در نظر داریم با کاربری روش تحلیلی-توصیفی و با رویکردی مقایسه‌ای به مطالعه و تحلیل دیدگاه‌های این چهار شخصیت بپردازیم. در این خصوص، می‌توان پرسید که آراء کدام یک از این بزرگان، جنبه عرفانی‌تری دارد و دیدگاه‌های کدام یک تحت تأثیر نگاه جنسیتی یا فقهی و اجتماعی بوده است. در ادامه، به ذکر آیات، ترجمه آنها و تفاسیر آیات، از منظر این چهار مفسر، می‌پردازیم.

خلقت زن و مرد

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً... (ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید...)) (نساء/۱).
میبدی و ابن عربی معتقدند که حوا از دنده‌های آدم خلق شده است. میبدی در تفسیر آیه، می‌گوید: «آدم در خواب بود که یک استخوان از پهلو چپ وی برداشتند و هیچ رنجی متوجه وی نشد و اما مابین آنان مودت و دوستی برقرار



بود؛ به طوری که از آدم می پرسند: «این کیست؟» در پاسخ می گوید: «هذه حوا»؛ یعنی از چیزی زنده آفریده شد. پرسیدند: «نام جنس او چیست؟» گفت: «الْمَرْأَةُ لِأَنَّهَا مِنَ الْمَرْءِ خُلِقَتْ» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۴۰).

ابن عربی نیز اشاره می کند که حوا از آدم منفعل شده و از او بیرون آمده و از پهلوی اوست؛ از این رو، ادراک وی از مرد کمتر است؛ همان طور که انسان از عالم کمتر است و هیچ گاه به درجه عالم نمی رسد (ابن عربی، ۱۳۸۵: ۱۰/ ۷۵۳).

دیدگاه های روزبهان بقلی راجع به آیات مربوط به زن، صبغه ای عرفانی تر از سایر عرفا دارد و این نگاه عرفانی وی بر تفسیرش غالب است. وی معتقد است که خداوند در این آیه، تمام ویژگی ها و اوصاف و افعال خود را با اشاره یادآوری می کند: «آنگاه که اراده فرمود که خلیفه را از عدم بیافریند تا حقوق الوهیت بشناسند و انوار محبت ازلیت را در سرای دل و وادی روح بگستراند، ذاتش بر صفاتش تجلی نمود و صفاتش بر افعالش متجلی گشت» (بقلی، ۱۳۸۸: ۷/۲). روزبهان برای تأیید سخنانش از عمروبن عثمان مکی نقل می کند: «خداوند، عالم را با ترتیب نظم یکسان در اطراف و اکناف و اول و آخر و آغاز و پایان و از پایین رو به بالای آن خلق نمود و خلقت آن به گونه ای است که هیچ گونه ناسازگاری و ایرادی در آن راه ندارد» (بقلی، ۱۳۸۸: ۷/۲).

بانو امین در باب این آیه، نظری متفاوت با نظر میبیدی و شیخ اکبر دارد. وی با توجه به احادیثی نبوی، معتقد است که حوا از زیادت گل آدم خلق شده و این تفسیر نزدیک تر به این مفهوم است که زن و مرد هر دو از یک ماده آفریده شدند و هر دو انسان هستند. در «مخزن العرفان» می خوانیم: «در تفسیر عیاشی، حدیثی از زبان پیامبر (ص) نقل می شود: «سائل از حضرت می پرسد که خدا حوا را از چه چیزی خلق کرده است؟» حضرت فرمودند: «مردم چه می گویند؟» پاسخ داد: «دنده ای از دنده های آدم خلق کرد» و فرمود: «دروغ می گویند. آیا خدا عاجز است که او را غیر از دنده ها خلق کند؟» فرمودند: «خدای تعالی مشتی خاک برداشت و به دست راست با هم مخلوط کرد و هر دو دست او یمین است و از آن آدم را خلق نمود و از زیادت گل آدم، حوا را آفریند» (امین، ۱۳۶۱: ۶/۴).

با همه این تفاسیر، نقطه اشتراک این بحث ها این است که تقوا تقدم دارد و مایه برتری است.

برتری مردان بر زنان

«...وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (...و مردان بر آنان درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است) (بقره/ ۲۲۸).

میبیدی معتقد است که مردان از چندین جهت بر زنان برتری دارند: از این جهت که نفقه و مهر بر عهده آنان است، دیه و ارث مردان دوبرابر دیه و ارث زنان است، امتیاز طلاق، رجعت، امامت، امارت و جهاد را دارند، می‌توانند از اموالشان انفاق کنند و نفقه همسرانشان را بپردازند. وی با این استدلال، بر این عقیده است که درجه مردان بر زنان فزونی دارد (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۲).

ابن عربی نیز با استدلالی دیگر، معتقد است که مردان را بر زنان درجه برتری است؛ همان‌طور که آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردمان بزرگ‌تر است، مردان را به آسمان‌ها و زمین و زنان را به مردم تشبیه می‌کند و در عین حال، اشاره به این دارد که وجه اشتراک در انسانیت است و وجه اختلاف در نوع جنسیت، امری عارضی است که در اصل و جوهره انسان اثرگذار نیست. وی از آسیه و مریم، برای مثال، نام می‌برد که با وجود زن بودن به برتری دست یافتند و تأکید بر این دارد که این درجه زایل‌شدنی است (ابن عربی، ۱۳۸۳: ۱۴۶/۴).

بانو امین در تفسیر این آیه، به آیه ۱۸۷ سوره بقره (هُنَّ لِيَاثٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاثٌ لِهِنَّ) استناد می‌کند و زنان و مردان را در حقوق زناشویی مساوی دانسته و مراد از درجه را این‌گونه تعبیر می‌کند که شوهر مالک هرگونه استمتاع و حظی است که از زن ببرد (امین، ۱۳۶۱: ۳۲۲/۲). در ادامه تفسیر آیه، حدیثی از پیامبر نقل می‌شود، از این قرار که بهترین زنان امت من زنی است که در آنچه معصیت نباشد، رضایت شوهر را به دست آورد و بهترین مردان امت من مردی است که با اهلش با لطف و مدارا زندگی نماید؛ مثل مادر نسبت به اولاد. چنین مردی در هر شبانه‌روز، اجر شهیدی را دارد که در راه خدا کشته شده است. عمر خطاب گفت: «یا رسول الله، چطور است که زنی رضایت شوهر به دست آرد، اجر هزار شهید و مرد اجر صد شهید؟» فرمود: «ندانی که اجر زنان از اجر مردان نزد خدا بیشتر است و ثوابش تمام‌تر؟ و خداوند در بهشت درجات مرد را بلند گرداند، هرگاه زن از او راضی باشد. نمی‌دانی بعد از شرک به خدا، هیچ گناهی نزد خدا زیادتر از ستم شوهر نسبت به زن نیست؟ از خدا بترسید درباره دو ضعیف؛ زن و یتیم که خداوند در مورد اینان از شما سؤال می‌کند. هرکس با اینها احسان کند، به رحمت و رضوان رسد و هرکس به اینها بدی کند، در معرض سخط حق تعالی واقع گردد» (امین، ۱۳۶۱: ۳۲۲/۲).

قوامیت مرد بر زن

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّاحَاتُ قَاتِنَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... (مردان سرپرست زنانند؛ به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.



پس زنانِ درستکار فرمانبردارند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده، اسرار شوهران خود را حفظ می‌کنند...» (نساء/ ۴).

میبیدی در تفسیر این آیه، مردان را بر سر زنان کدخدا، کاردان و به‌راست‌دارندگان معرفی می‌کند که اجازهٔ تأدیب و تعلیم زنان را دارند و آنچه صلاح‌شان باشد، با ایشان می‌نمایند. مردان به علتِ فزونی عقل، دین، یقین، قوت عبادت، کمال شهادت، استحقاق نبوت، خلافت و امارت بر زنان فضیلت دارند و از دیه و ارثی دوچندان نسبت به زنان برخوردارند. طلاق در دست مردان است و زنان را یک شوهر و مردان را چهار زن اجازه داده‌اند. وی در ادامهٔ تفسیرش، سخنی از امّ سلمه، خطاب به پیامبر اکرم (ص)، می‌آورد: «یا رسول الله! مردمان را در راه خدا جهاد است و زنان را نیست تا لاجرم زنان را در میراث نیمهٔ مردان است. کاش که ما مرد می‌بودیم تا ما را نیز مزد جهاد و میراث تمام بود.» ربّ العالمین در شأن ایشان، این آیه فرستاد که دریغ مدارید و خویشتن را این آرزو نکنید: *لَلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَاسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا* (نساء/ ۳۲). همچنان که مردان در جهاد ثواب دارند، زنان را در پارسایی و فرمانبری از شوهر و خویشتن داری ثواب است.

میبیدی از سُدی نقل می‌کند: «چون مردان را در میراث، دو برابر زنان است؟ مردان گفتند، چنانچه امروز در میراث ما را بر زنان فضیلت دادند، امید داریم که فردای قیامت در ثواب اعمال، ما را بر ایشان فضیلت دهند. این آرزوی مردان بود؛ در حالی که زنان آرزو کردند چنانچه که امروز ارث ما نیمهٔ مردان است، امید است که در قیامت، گناهان ما نیمهٔ گناهان مردان باشد. ربّ العالمین این آیه را فرستاد که فردا ثواب و عقاب به اندازهٔ کردار باشد؛ چه برای زنان و چه برای مردان (میبیدی، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۸۶).

روزبهان در تفسیر آیه، بر آن است که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده و مردان را از آن جهت که بر مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط داده است. باوجوداین، در دنبالهٔ تفسیرش، به ویژگی صالحات قائنات و حافظاتِ لِغِیْبِ می‌پردازد. وی صالحات را «زنانی عارف به خداوند و به حقوق خدا، به امر الهی، عفو الهی، عذاب الهی و آنچه از حق زوج‌شان در معاشرت نیکو با آنان و پند در امر آنان بر ایشان واجب است» (بقلی، ۱۳۸۸: ۳۱/۲)، می‌داند. قائنات را زنانی معرفی می‌کند که «در عبودیت نیت خالص دارند و به شوق دیدار او فروتنی و در خدمت او ایستاده‌اند» (همان). و حافظاتِ لِغِیْبِ را «حیایی که نسبت به خداوند دارند، هرآنچه از احکام غیب و انوار قرب بر آنان آشکار گردد، پوشیده می‌دارند تا

احدی بر آنان آگاهی نیابد» (بقلی، ۱۳۸۸: ۳۱/۲)؛ مانند مادر موسی که خداوند می‌فرماید: «به هنگام غلوات شوقش نسبت به موسی، اگر دلش را قوی نکرده بودیم، نزدیک بود آن راز را فاش سازد» (قصص/۱۰).

به اعتقاد ابن عربی، انسان به مثابه عالم صغیر در عالمیت، یعنی دلیل و نشانه بودن بر وجود خداوند، با عالم کبیر اشتراک دارد و عالم جهت توفیق، درجه‌ای بر انسان ندارد. انسان بودن حقیقتی جامع و مشترک میان مرد و زن است؛ اما این درجه، درجه وجودی و دراصل، ایجاد است نه برتری معنوی و کمال. ضمن تأکید بر پایین بودن رتبه زن و مرد به لحاظ وجودی، کسب کمال را بر این میسر دانسته که تأخر وجودی را در محرومیت از کمال اثرگذار نمی‌شمارد. همان طور که در فتوحات ذکر می‌کند، رسول خدا(ص) به کمال بعضی از زنان شهادت می‌دهد؛ هرچند تعداد مردان از زنان بیشتر است و آن کمال نبوت است (ابن عربی، ۱۳۸۸: ۱۰/۷۵۴).

بانو امین معتقد است که مردها در تدبیر و نیرومندی و تحمل سختی‌ها، اغلب، بر زنان فزونی دارند و این برتری از جهت قوت عقلی و توانایی جسمی، به صورت کلی بر کلی است نه جزئی بر جزئی؛ چه بسا زنانی باشند که توانایی تدبیر و جسمی آنان برتری داشته باشد! قوامون در اینجا، منظور شوهران هستند که بر برطرف کردن نیازهای زنان اشراف دارند (امین، ۱۳۶۱: ۶۲/۴).

زنان، کشتزار مردان

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (زنان شما کشتزار شما هستید. پس، از هر جا [و هرگونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آبیید و آنها را برای خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده)» (بقره: ۲۲۳).

از دیدگاه میبیدی، این آیه در شأن اهل مدینه است؛ خطاب به یهودیانی که معتقد بودند، با زن خود در حال ایستاده نمی‌توانند جماع داشته باشند؛ زیرا بر این باور بودند که این کار باعث تولد فرزندی لوچ (کژبین) خواهد شد. خداوند با نزول آیه، این اعتقاد را رد می‌کند و می‌فرماید که همسران شما محل بذرافشانی شما هستند و به زن خود که رسیدی، می‌توانی هرگونه که می‌خواهی باشی (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۰۱/۲).

اما در نگاه روزبهان، قضیه دیگرگونه است. وی تقوا و صدق نیت را ادب مباشرت می‌داند و معتقد است که بنده هیچ‌گاه و در هیچ حالی از احوال، نباید از پروردگار



غفلت کند و محبتش برای خداوند باشد نه برای تأمین شهوتش (بقلی، ۱۳۸۸: ۸/۱۵۶). او برای تأیید سخنانش از واسطی نقل می‌کند که گفته بود: «نیت صادق در جماع در عفت در محرمات روا دارید» (همان).

ابن عربی زن را در نسبت به مرد به طبیعت تشبیه کرده است؛ بدین نحو که زن محل وجود اعیان فرزندان است؛ همانگونه که طبیعت برای امر الهی، محل ظهور اعیان اجسام است و در آن تکوین می‌یابند و از آن ظاهر می‌شوند (ابن عربی، ۱۳۸۵: ۱۰/۷۶۲).

بانو امین رحم زنان را به منزله زمین زراعی می‌داند که تخم در آن ریخته می‌شود. مجموع اخبار حاکی از این است که «أَنْتِ سِتُّم»، راجع به همان موضع مخصوص زنان است. مرد در مباشرت از هر راهی که بخواهد، هر وقت که بخواهد و هر کجا که بخواهد و به هر کیفیتی که بخواهد، مختار است. این آیه حاوی تشبیه لطیفی از قرآن کریم است که مرد را به زارع، زن را به مزرعه، نطفه را به تخم و اولاد را به محصول تشبیه نموده است (امین، ۱۳۶۱: ۲/۳۱۱).

شهادت زنان در محکمه

«...وَاسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...» (دو شاهد از مردان را به شهادت طلبید؛ پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن از میان گواهانی که به عدالت آنان رضایت دارید، گواه بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن فراموش کرد، زن دیگر، وی را یادآوری کند) (بقره/۲۸۲).

در تفسیر این آیه، میباید حدود ده شرط برای شهادت نقل می‌کند که به دلیل پرهیز از اطاله کلام، از ذکرشان درمی‌گذریم. یکی از این شروط آن است که شهادت زن در بعضی از احکام، چون حدود ازدواج، طلاق، عتاق (آزادکردن)، رجعت، وصیت، وکیل گرفتن و قتل عمد، مردود است؛ ولی در فروش، اجاره، رهن، ضمان، هبه و هر چه با مال ارتباط دارد و در آنچه مردان بر آن موضوع آگاهی ندارند، همچون عیب‌های زنانه، ولادت و رضاع، گواهی زنان مورد قبول است و عماد شهادت معرفت است (میبیدی، ۱۳۷۱: ۸/۷۸۰).

روزبهان در تفسیر این آیه، توجه چندانی به شهادت زن یا مرد ندارد؛ اما اصلی بنیادی را مطرح می‌کند و اشاره و تأکید دارد که شهادت را کتمان نکنید؛ چون هر کس که شهادت را کتمان کند، گناهکار است. او در تفسیرش می‌گوید: «یعنی آنچه را که خداوند متعال از مقام اهل ولایت آشکار می‌کند، کتمان نکنید. اینکه ذکرش را از روی حسادت پنهان نکنید؛ یعنی در واقع اگر فرد چیزی را کتمان



دوره دوم
شماره دوم
پیاپی: ۴
پاییز و زمستان
۱۴۰۲

کند که خداوند به او اختصاص داده است، گناهی بر قلبش است؛ یعنی جزای کتمانش قساوت قلب است. گناه قلب حسد به اهل ولایت است و جزای حسد این است که راه ورود هدایت و نور را به آن دل ببندند؛ مانند مهر و موم که چیزی نتواند وارد شود (بقلی، ۱۳۸۸: ۸/۲۰۶).

ابن عربی در این زمینه، معتقد است که امکان دارد مرد شهادت را به نحوی فراموش کند و به یاد نیاورد؛ ولی ممکن نیست که یکی از دوزن که یادآورنده است، فراموش کند و یکی از آن دو دیگری را به یاد آورد. پس ناگزیر باید یکی از شاهدان دچار حیرت نشود و فراموش نکند (ابن عربی، ۱۳۸۵: ۱۰/۷۶۲).
به نظر بانوامین نیز در این زمینه، غلبه فراموشی در زن یکی از اسراری است که شهادت دو زن را در برابر یک مرد قرار می‌دهد (امین، ۱۳۶۲: ۲/۴۴۰).

مهریه و ارث زنان

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴) وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا... (و مهر زنان را هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید. و اموال خود را (که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده) به سفیهان مدهید) «نساء/ ۴-۵».

میبدی در شرح آیه فوق، زنان را همچون یتیمان می‌پندارد. از تفسیر وی این نکته قابل برداشت است که دختر به سبب ضعف و عجز و ناتوانی در کسب درآمد، دو برابر پسر ارث می‌برد؛ اما همواره معترف است که این قیاس کار بندگان نیست و فهم آنان از این درک عاجز است. میبدی با اتکا به تفسیرهای ابن عباس، قتاده، ربیع، ضحاک و سدی، بیان می‌دارد که چون اوایل کار مسلمانان از مال یتیمان پرهیز نمی‌کردند و زنان را ضعیف و عاجز می‌دانستند و بسیار زن می‌گرفتند و آن را به عدل رعایت نمی‌کردند، این آیه در شأن ایشان نازل شد که این زنان در ضعف و عجز مثل یتیمانند. همان‌طور که یتیمان به قییم نیاز دارند، زنان هم محتاج قییم‌اند (میبدی، ۱۳۷۶: ۲/۴۴۴).

میبدی به پیروی از فرمایش حضرت رسول (ص) که می‌فرماید: «أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَلْهَنَ مَوْنَةً» (قضاعی، ۱۴۳۱: ۱/۱۰۵)؛ یعنی بابرکت‌ترین زنان، کم‌خرج‌ترین آنان است و با نقل واقعه‌ای، بیان می‌کند که حتماً مهریه‌ای هرچه اندک برای زنان در نظر گرفته شود (میبدی، ۱۳۷۱: ۲/۴۳۰). افزون بر اینها، میبدی با عنایت به ادامه آیه که توصیه می‌شود مال خود را به سفها ندهید و با توجه به روایات ذکرشده، زنان را سفیه می‌پندارد. همچنین مصادیق سفیهان را برمی‌شمارد که از



جمله آنها، سبک خردان و یتیمانی هستند که برمال خود قیم گماشته اند. در اندیشه روزبهان، مال از حقایق معرفتی است که جز ربانیان بر آن علم ندارند. پس مراد از این آیه این است که این حقایق را بر نوپایگان آشکار نکنید تا عقایدشان فساد نپذیرد. وی منظور از سفها را فرزندان می داند که مانع پرداخت صدقه می شوند (بقلی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲).

از ابعاد مهم آراء ابن عربی در این زمینه، ارزش زن است. او در باب دوازدهم فتوحات مکیه به حدیث نبوی «جَبَّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكَ الثَّلَاثُ الطَّيْبُ وَالنِّسَاءُ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (کراچی، ۱۳۹۴: ۳۱/۱) می پردازد و اشاره به این دارد که خداوند زن ها را محبوب پیامبر قرار داده است نه اینکه ایشان از ابتدا به آنان محبت بورزد. در باب ۳۵۶ فتوحات مکیه نقل می کند که زمانی که حضرت موسی به ارزش و منزلت زن پی برد، حاضر شد ده سال از عمر خویش را مهریه همسرش قرار دهد. شاهد دیگر در این باره این است که حضرت موسی تجلی الهی را در دل آتش که مورد نیاز خانواده اش بود، یافت و به واسطه سعی و تلاشی که برای رفع نیاز آنان کرد، به مقام کلیم الهی رسید (امینی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

بانو امین در شأن نزول این آیه از عایشه نقل می کند که در زمان پیامبر (ص) دختر یتیمی تحت تربیت کسی بود که ولایت و تصرف در مال وی داشت و می خواست با وی ازدواج کند و حق خدمت و مهر او را ندهد. این آیه نازل گردید که اگر بر نفس خود مطمئن نیستید، درباره دختران یتیم به عدالت رفتار نمایید و حق آنها را بدهید و از نکاح به آنان خودداری کنید (امین، ۱۳۶۲: ۸۴/۱۵). درباره ادامه آیه که توصیه به ندادن مال خود به سفها است، بنا به روایتی از قول رسول الله (ص) آورده است که نقصان زنان از این جهت است که هر ماه پنج روز، کمتر یا بیشتر، نماز نمی خوانند و برای آنان از نواخت و کرامت حق همین بس باشد که وقتی به وجود فرزند بارور می شوند، آنها اجری همانند مزد مرابط (مرزبان) دارند. چون فارغ می شوند، ثوابشان همچون ثواب شهیدان است و هنگامی که کودک را شیر می دهند گویا که از فرزندان اسماعیل، گردنی آزاد می کنند و زمانی که به خاطر فرزندشان از خواب می گذرند و بیدار می شوند، ثوابی مثل آزاد کردن بنده ای از اولاد اسماعیل می برند. این ثواب عظیم برای زنان مؤمنی است که با شکستگی و تواضع و فروتنی در بلاها و رنج ها در کنار و در خدمت همسرشان هستند. بانو امین برای سفیه سه مصداق برمی شمارد: زنان و کودکان، زنان و هرسفیه دیگر اعم از مجانین، صغار و افراد غیررشید. از نظر وی، کسی که اموال خود را در اغراض غیر صحیح به کار ببرد، مستوجب

حجر است و هرکسی می‌تواند سفیه باشد؛ چه زن باشد چه مرد؛ چه بالغ و چه نابالغ باشد (امین، ۱۳۶۲: ۴/۱۶).

نشوز و ضرب زنان

«...وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاجْزُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا...» (و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید، نخست پندشان دهید و بعد در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و اگر تأثیر نکرد، آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند، دیگر بر آنها هیچ راهی برای سرزنش مجوید که خدا (والای بزرگ است)» (نساء/۳۴).

بی‌شک راه عاطفه و محبت اثرگذارتر از راه قهر و تنبیه است؛ همان‌طور که خداوند راه محبت را پیش گرفته است؛ اما اگر از این طریق، امکان اطاعت نبود، قرآن برای تحکیم روابط زوجین پیشنهادی ارائه می‌دهد. اطاعت از شوهر در سرتاسر قرآن نوعی فضیلت تلقی شده و نشوز به معنای سرپیچی از اطاعت همسر است.

میبیدی در شرح نشوز زن توضیح می‌دهد که اگر شوهر خود را اطاعت نکند و مرد متوجه اطاعت ناپذیری زن شود، بر شوهر لازم است که ابتدا همسرش را پند دهد و از خداوند بترساند و موازین مربوط شرعی را به زن گوشزد کند؛ چنانچه با پند و نصیحت کارساز نشد و اطاعت نکرد، هم از خودش، هم از کلامش و هم از بستر خوابش دوری نماید. پرهیز از هم‌کلامی، بیش از سه روز، روا نیست و اگر هجرت هم تأثیر نداشت، زخم کردن است؛ اما نه زخمی که بر مقتل باشد و نه بر صورت و نه به‌گونه‌ای باشد که نتواند از جای خود حرکت کند. البته میبیدی تأکید بر صلح و سازش و سازگاری دارد و طبق روایاتی بهترین گزینه در این زمینه را سازگاری بین زوجین می‌داند که باید به همان مرحله پند و موعظه بسنده شود (میبیدی، ۱۳۷۶: ۲/۴۸۷).

روزبهران می‌گوید که زنان با تمرین و مجاهده و ریاضت، باید از مردان اطاعت کنند. به عقیده روزبهران، دوری و نزدیکی به خداوند منجر به اختلاف می‌شود و به خاطر اختلاف در خلق، حال و مقام، منجر به ستیزه می‌گردد (بقلی، ۱۳۸۸: ۳۲/۲).

ابن عربی به رحمت و مودت بین زوجین توصیه می‌کند و اعلام می‌دارد که خداوند امر کرده است که اگر رشته مودت قطع گردد، لازم است که تو وصل کنی. پس بدان، قطع از اوست، وصل از توست و تو را در این امر بهره و نصیبی است که با آن بر دیگر عالمیان برتری می‌یابی. مودت بین دو همسر موجب ثبات پایداری



نکاح و موجب تولد و زادوولد است. وی زن را اشتیاق و حنین جزئی می‌داند که به سوی یک کل (همسرش) روانه می‌کند؛ یعنی با توجه به اعتقاد خلقت زن از دندهٔ چپ آدم، زن را جزئی از مرد می‌داند (ابن عربی، ۱۳۸۵: ۱۰/۷۵۸).

به عقیدهٔ بانو امین، خداوند به منظور تحکیم خانواده و جلوگیری از تمکین نکردن زن از شوهرش، سه راهکار ارائه می‌دهد که مرد باید به ترتیب به آنها عمل کند. ابتدا پیشنهاد موعظه و نصیحت می‌دهد و اگر سودی نبخشید، از بستر وی دوری کند و در قدم آخر، او را بزند. قرآن تأکید بر این دارد که همسران شما از شما اطاعت دارند و شما بر آنها حقی هیچ‌گونه ستمی ندارید. او معتقد است که این آیه در تلاش برای تحکیم روابط بین زوجین آمده و اطاعت از همسر در حکم مقدمه‌ای برای اطاعت از اوامر الهی است. این آیه به منظور جلوگیری از نشوز زن، سه عمل را یکی پس از دیگری، پیشنهاد می‌دهد و تأکید دارد که اگر زن اطاعت نمود و تمکین کرد، هیچ ستمی روا نیست. همین‌طور اشاره دارد که مبادا قوت و برومندی مردانه موجب غرور شود و مردان گمان نکنند که ستم کردن بر زن از این جهت که ضعیف‌تر از آنان است رواست؛ زیرا خداوند به خوبی می‌تواند حقی مظلوم را از ظالم بگیرد (امین، ۱۳۶۲: ۴/۶۴).

طلاق

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَمَا سَاكَ مَعْرُوفٍ أَوْ سُرِّحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَحْفَا أَلَا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ... (طلاق رجعی دو بار است. پس از آن، یا باید زن را به خوبی نگاه داشتن یا به شایستگی آزاد کردن. و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی بازستانید. مگر آنکه طرفین در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند)» (بقره/۲۲۹).

میبیدی اظهار می‌دارد که پیش از نزول این آیه، طلاق را حصر و حدی نبود و مرد حقی رجعت در روزگار عده را بر خود روا می‌دانست. در صدر اسلام، از زنانی گزارش شده است که همسرشان مدام آنها را طلاق داده و زمانی که محتاج به همسر می‌شدند، رجعت می‌کردند. عایشه ماوقع را به پیامبر (ص) گفت و این آیه در حال آنان نازل شد. بآن‌که طلاق در شرع مباح است، اما از این جهت که سبب فراق و باعث بریدن اسباب الفت و وصال است، مورد غضب خداوند واقع شده است. در ادامه، میبیدی این روایت را نقل می‌کند: «حسن بن علی (ع) زنی داشت و طلاقش داد. چهل هزار درم مهر آن زن بود که فرستاد تا دلش خوش شود. زن آن مال پیش نهاد و گریستن درگرفت و گفت: «مَتَاعٌ قَلِيلٌ مِنْ حَبِيبٍ مُفَارِقٍ»؛



دوره دوم
شماره دوم
پیاپی: ۴
پاییز و زمستان
۱۴۰۲

یعنی خواسته جهان چه به کار است که کنارم تهی از یار است و دوست از من بیزار است. گویند این سخن در حسن بن علی (ع) اثر کرد و او از تصمیمش منصرف شد (میبدی، ۱۳۷۱: ۱/۶۲۵).

روزبهان نگاه عرفانی خاصی به این آیه دارد. وی طلاق را فراتر از طلاق به معنی رایج می‌داند و عبارت «الطلاق مَرَّتَان» را به دو طلاق تعبیر می‌کند: اولین آن را به طلاق نفس و شهوات دنیا و هرچه در آن است، می‌خواند و طلاق دوم را طلاق آخرت و هر آنچه در آن است. او معتقد است که عارف باید هر دو را طلاق دهد، زیرا مشاهده حق بر محبان و عاشقان پوشیده است اگر چیزی غیر خداوند بر قلب هاشان وارد شود (بقلی، ۱۳۸۸: ۱/۱۵۷).

در تفسیر این آیه، بانو امین اذعان می‌دارد که این امر یکی از الطاف الهی است که درباره زن اجرا نموده تا کمتر تحت تأثیر جفای مردها قرار گیرد. همچنین آیه اشاره به این دارد که اگر مردان رجوع کردند، از روی عاطفه زناشویی از روی انس و مودت باشد و اگر زن خود را رها نمودند، با احسان و شایستگی انسانیت باشد؛ یعنی علاوه بر اینکه حقوق واجب او را ادا کردند، مزید احسانی درباره وی بنمایند، زیرا که وظیفه انسانیت چنین است. بعد از آن مدتی که با مودت و دوستی با هم گذرانده‌اند، سزاوار نیست که از روی سخط و غضب و انتقام جویی، بخواهند به همسر خود اذیت و آزار نمایند و به اجبار و اکراه او را از خود برانند (امین، ۱۳۶۳: ۲/۳۲۷).

نتیجه‌گیری

از تفسیر و بررسی آیات و روایاتی که مورد بحث واقع شد، به این نتیجه می‌رسیم که خداوند وظایفی را بر عهده زن قرار داده است که شاید تجربه و درک آن برای مردان نامقدور باشد؛ مانند مشقت‌های بارداری، تولد فرزند، شیردهی و تربیت اولاد. هم‌قرآن بیانگر و قدردان زحمات زنان و مادران است و هم در نگاه هر چهار شخصیت مورد نظر، زن منزلتی عظیم دارد. میبدی معتقد است که جفت شایسته از دنیا نیست، بلکه از آخرت است و به طور مؤکد تأکید بر مراعات حقوق ایشان دارد و زنان را مایه آسایش مردان و یاور آنان در دین می‌داند.

روزبهان زن را مایه تجلی زیبایی ازلی پروردگار می‌داند و در تفسیرش آراء خود را محدود به مرزهای زنانه و مردانه نمی‌کند و عامل برتری را تقوا و دوری از نفس معرفی می‌کند.

به گفته ابن عربی، جنسیت عارضی و خواسته خداوند عالم از هر کدام متفاوت است: مردان را امر به جهاد و رزم، رفع نیازهای خانواده و... و زنان را توصیه به



گرم نگه داشتن کانون خانواده و اطاعت از همسر و... می‌کند. وی به پشتوانه حدیث نبوی «إِنَّ النِّسَاءَ سَقَاتُ الرِّجَالِ» (زنان نیمه دیگر مردان هستند)، در حدی زنان را بزرگ می‌داند که خرقه معنوی خود را به زنان می‌بخشد، به آنان اجازه حضور در محافل درسش را می‌دهد و... او زن را کامل‌تر از مرد می‌داند، زیرا که زن هم مظهر قبول و انفعال الهی و هم مظهر فعل و تأثیر الهی است؛ در حالی که مردان صرفاً مظهر قبول و انفعال اند.

بانو امین، مفسری متأخر و بانویی مفسر، معتقد است که زن‌ها خصوصیات دارند که بر مردها برتری می‌یابند؛ از جمله قلب پرعاطفه، احساس بردباری، نوع‌پروری و رقیق‌القلب بودن. حیات مرد ناشی از تعقل و حیات زن ناشی از احساسات وی است. چه بسا زنانی در تاریخ باشند که از طریق دل و احساس رشد کرده و تأثیری بیش از مردان برجای گذاشته باشند. انسان‌ها از خیلی جهات با یکدیگر متفاوتند و قابل اثبات نیست که آیا مردان می‌توانند همچون زنان راه دل، راه عاطفه، راه جذبه، راه اندرز و... را طی کنند!

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن عربی، محی الدین (۱۹۷۰)، «فتوحات مکیه»، ترجمه محمد خواجهی، چاپ او. تهران: انتشارات مولی.
۲. اسعدی فیروزآبادی، مریم السادات (۱۳۹۲). «بررسی دیدگاه‌های عرفانی رشیدالدین میبدی در آیات مربوط به زن در کشف الاسرار»، نشریه ادب فارسی، سال ۳، شماره ۱.
۳. امین، سیده نصرت بیگم (۱۳۶۱). «مخزن العرفان در تفسیر قرآن». تهران: نهضت زنان مسلمان.
۴. امینی نژاد، علی (۱۳۹۱). «مسئله زن و زناشویی در عرفان اسلامی»، مطالعات معنوی، شماره ۶.
۵. بقلی، روز بهان (۲۰۰۸). «عرائن البیان»، ترجمه علی بابایی، چاپ اول. تهران: انتشارات مولی.
۶. جلالی، مهدی و محمد مهدی آجیلیان مافوق (۱۳۹۶). «بررسی سندی و متنی حدیث «أبغض الحلال الی الطلاق» در منابع فریقین»، آموزه‌های حدیثی، سال ۱، شماره ۱.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). «زن در آئینه جلال و جمال»، چاپ اول. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۸. رادمنش، عطامحمد و محبوبه خراسانی و فاطمه پهلوان شمسی (۱۳۹۶). «سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار میبدی»، عرفانیات اسلامی، سال ۹، شماره ۳۳.
۹. شمس، زینب و مصطفی عباسی مقدم (۱۴۰۱). «تأثیر جنسیت در تفسیر»، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال ۸، شماره ۲.
۱۰. عناقه، عبدالرحیم و سمیه سبزواری (۱۳۹۱). «تجلی زن در اندیشه ابن عربی»، زن و فرهنگ، سال ۳، شماره ۱۲.
۱۱. قضاعی، محمد بن سلامه (۱۴۳۱). «مسند الشهاب». سوره: دار الرساله العالمیه.
۱۲. کراجکی، ابوالفتح محمد بن عثمان (۱۳۹۴). «معدن الجواهر و ریاضه الخواطر»، تحقیق و تصحیح سید احمد حسینی، چاپ اول. تهران: انتشارات کتابخانه مرتضویه.
۱۳. کوشکی، زهرا و انشاءالله رحمتی (۱۳۹۹). «عشق نزد روزبهان بقلی و ابن عربی با تأکید بر جایگاه زن»، نامه الهیات، سال ۱۳، شماره ۲.
۱۴. مهریزی، مهدی (۱۴۰۰). «زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی»، آئینه پژوهش، سال ۳۲، شماره ۳.
۱۵. میبدی، ابوالفضل رشید الدین (۱۳۷۱) «کشف الاسرار و عده الابرار»، چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
16. Amin, S. N. B., (1361), Makhzan al-Irfan dar Tafsir -i Quraran, Tehran, Nehzate zanan mosalman
17. Amininezhad, A, «Mas'aleh -i Zan va Zanashooyi dar Irfan -i Islami», Motala'at -i Manavi, no. 6.
18. Anaqeh, A; Sabzavari, S, (1391), «Tajally -i Zan dar Andisheh -i Ibn Arabi», Zan va Farhang, vol. 3, no. 12.
19. A'sadi Firozabadi, M, (1392), «Barrasi -i Didgahahaye Irfane of Rashid al-Din Meibodi dar Ayat -i Marboot be Zan dar Kashf al-Asrar», Nashrieh Adab Farsi, vol. 3, no. 1.
20. Baqli, R, (2008), Arâes al-Bayan, trans. Mohammad Khajavi, 1st edition, Tehran, Mawla Publication.
21. Ibn Arabi, M, (1970), Al- Futuhatal- Makkiyya, Trans. Mohammad Khajavi, 1st edition, Tehran, Mawla Publication.
22. Jalalli, M; Ajilian mafogh, M, (1396), «Barrasi -i Sanadi va Matni -i Hadith «Abghaz al-Halal ilayya al-Talaq» dar Manabâe Fariqin», Amoozehhayh hadithi, vol. 1, no. 1.
23. Javadi Amoli, A, (1369), Zan dar Ayene -i Jalal va Jamal, 1st edition, Tehran,

Nashr -i Farhang -i Raja.

24. Karajaki, A, (1394 H.), Mâdan al-Javaher va Riyaza al-Khavater, edition: Ahmad Hosseini, 1st edition, Tehran, Ketankhane -i Mortzaviyye Publication.

25. Kooshki, Z; Rahmati, E, (1399), «Ishgh Nazd -i Roozbehan Baghli va Ibn Arabi ba tâkid bar Jaigaheh -i Zan», Name -i Elahiyyat, vol. 13, no. 51.

26. Mebodi, R, (1371), Kashf al-Asrar va Uddat al-Abrar, 5th edition, Tehran Amirkabir.

27. Mehrizi, M, (1400), «Zan dar Tafsir Makhzan al-Irfan -i Banoo Amin Isfahani» Ayeneh -i Pazhoohesh, vol. 32, no. 2.

28. 13- Qozâyi, M, (1431 H.), Mosnad al-Shahab, .Suriya, Dar al_resale Al_almeah

29. Radmanesh, A; Khorasani, M; Pahlavan shamsi, F (1396), Sabk -i Zendgi dar Tafsir -i Irfani -i Kashf al-Asrar Meibodi, Irfaniat dar Adab -i Farsi, vol. 9, no. 33.

30. Shams, Z; Abbasimoghadam, M, (1401), «Tâthir -i Jensiyyat dar Tafsir», Tafsir -i Tatbiqi, vol. 8, no. 2.

مطالعات قرآنی
و فقهی

دوره دوم

شماره دوم

پیاپی: ۴

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

References

The Holy Qur'an, translated by Mohammad Mehdi Fouladvand.

1. Ibn Arabi, Mohiuddin (1970). "The Conquests of Makiya", translated by Mohammad Khajawi, published by him. Tehran: Molly Publications.
2. Asaadi Firouzabadi, Maryam Al Sadat (2012). "Examination of the mystical views of Rashid al-Din Meibdi in the verses related to women in Kashf-ul-Asrar", Adab Persian magazine, year 3, number 1.
3. Amin, Seyyedah Nusrat Begum (1361). "Makhzn al-Ifan in Tafsir of the Qur'an". Tehran: Muslim Women's Movement.
4. Amininejad, Ali (1391). "The issue of women and marriage in Islamic mysticism", Spiritual Studies, No. 6.
5. Baghli, Rooz Bahan (2008). "Araes al-Bayan", translated by Ali Babaei, first edition. Tehran: Molly Publications.
6. Jalali, Mehdi and Mohammad Mehdi Ajilian Mafuq (2016). "Documentary and textual examination of the hadith "Abghaz al-Halal to divorce" in the sources of al-Furiqin", Hadith Teachings, year 1, number 1.
7. Javadi Amoli, Abdullah (1369). "Woman in the Mirror of Glory and Beauty", first edition. Tehran: Raja Cultural Publishing Center.
8. Radmanesh, Atta Mohammad and Mehbobeh Khorasani and Fatemeh Pahlavan Shamsi (2016). "The style of life in the mystical interpretation of Kashf-ul-Asrar Meybidi", Islamic mysticism, year 9, number 33.
9. Shams, Zainab and Mustafa Abbasi Moghadam (1401). "The influence of gender in interpretation", comparative interpretation research, year 8, number 2.
10. Anakeh, Abdur Rahim and Samia Sabzevari (2012). "The Manifestation of Women in Ibn-Arabi's Thought", Women and Culture, Year 3, Number 12. Ghadahi, Muhammad bin Salameh (1431). "Musnad al-Shahab". Syria: Dar al-Rasalah al-Alamiya.
11. Karajki, Abul-Fath Muhammad bin Othman (2014). "Ma'dan al-Jawahir and Riyazah al-Khwatar", research and correction of Seyyed Ahmad Hosseini, first edition. Tehran: Mortazavieh Publishing House.
12. Koshki, Zahra and Inshallah Rahmati (2019). "Love in the eyes of Rozbahan Baghli and Ibn-Arabi with an emphasis on the position of women", Theology Letter, year 13, number 2.
13. Mehrizi, Mehdi (1400). "Woman in the interpretation of Banu Amin Esfahani's Al-Irfan Repository", Ayane Research, year 32, number 2.
14. Meybodi, Abulfazl Rashiduddin (1371) "Kashf al-Asrar and Ada al-Abrar", fifth edition. Tehran: Amir Kabir Publications.